

برخورد نسل‌ها - جوانی جمعیت و خشونت سیاسی

علی پزهان*

پروانه افشاری**، آیتا کمالی***

چکیده

امروزه نمی‌توانیم نقش تحولات جمعیت‌شناختی را در تبیین و ستیزه‌ها و هویت سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نادیده بگیریم. وجود "جوانی جمعیت" (Youth Population) همواره در طول تاریخ با بحران سیاسی در ارتباط بوده است. سوال اصلی مقاله پیرامون این مساله است که آیا "کشورها و مناطق با ساختار جمعیت جوان، بیشتر در معرض دچار شدن به خشونت سیاسی قرار دارند؟ در این راستا از روش "مرور نظام مند" (Systematic Review) و برای تبیین کردن مساله از نظریه‌های رابرت کاپلان (۱۹۹۴)، فرید زکریا (۲۰۰۱)، و ... استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط آماری بین ساختار سنی جمعیت و خشونت سیاسی امری شناخته و پذیرفته شده است. بنابراین همان‌طور که آب باعث می‌شود تا صخره شکل بگیرد، تغییرات جمعیتی نیز باعث شکل‌گیری قدرت سیاسی می‌شوند. روند‌های جمعیتی به طرق گوناگون می‌توانند امنیت حکومت و توسعه کشورها را تحت تاثیر قرار دهند جمعیت‌شناسی یقیناً این استحقاق را دارد که در برنامه ریزی‌ها و تحلیل‌های سیاسی بیشتر مد نظر قرار گیرد تا از ایجاد خشونت‌ها و نزاع‌ها جلوگیری کند.

* استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)،

Pezhhan_ali@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، مسئول تعهدات بلند مدت سازمان تامین اجتماعی،

afsharip1@gmail.com

*** کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناس مسئول پژوهشگاه علوم انسانی،

bahar.pk2020@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

کلیدواژه‌ها: جوانی جمعیت، برخورد نسل‌ها، خشونت سیاسی و دوره فشرده جمعیت شناختی

۱. مقدمه

جوانان اغلب نقش مهمی در خشونت‌های سیاسی‌ایفا می‌نمایند، و وجود "تورم جوانی جمعیت" همواره در طول تاریخ با زمان بحران سیاسی در ارتباط بوده است. (گلدستون ۱۹۹۱؛ ۲۰۰۱) عموماً، مشاهده شده است که مردان جوان قهرمانان اصلی وقایع جنایی و همچنین خشونت‌های سیاسی باشند.

کشورها و مناطق دارای جمعیتی با ساختار جوانی دچار تورم جوانی جمعیت، در معرض خشونت سیاسی بیشتری هستند؟ در طول دهه گذشته توجهات زیادی را به خود جلب کرده است این امر متعاقب طرح مباحث عمومی تر در مورد پیامدهای امنیتی فشار جمعیت و کمبود منابع صورت گرفته اند. در کتاب "هرج و مرج پیش رو"، رابرت کاپلان استدلال می‌کند که در آینده، هرج و مرج و فروپاشی دولت‌های ملی به عوامل جمعیت شناختی و زیست محیطی مربوط و متناسب خواهد شد. (کاپلان، ۱۹۹۴: ۴۶). اخیراً، تورم جوانی جمعیت تبدیل به یک موضوع برای توضیح بی‌ثباتی سیاسی کنونی در جهان عرب و گرایش جوانان به استخدام در شبکه‌های تروریستی بین‌المللی شده است. در یک مقاله زمینه‌ای در مورد بررسی علل ریشه‌ای حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در آمریکا، فریدزکریا سردبیر نیوزویک استدلال می‌کند که تورم جوانی جمعیت در ترکیب با تغییرات آهسته اقتصادی و اجتماعی، مبنایی برای تجدید حیات اسلامی در جهان عرب فراهم کرده است (زکریا، ۲۰۰۱: ۲۴). ساموئل هانتینگتون در ارائه مشخصه‌های «برخورد تمدن‌ها» با اضافه کردن ابعاد ساختار سنی به این گونه خشونت‌ها چنین می‌گوید "من فکر نمی‌کنم اسلام از ادیان دیگر خشن‌تر باشد، اما عامل کلیدی و اصلی، عامل جمعیتی است. به طور کلی، افرادی که از خانه بیرون رفته و مبادرت به کشتن افراد دیگر می‌کنند، عموماً مردانی بین سنین ۱۶ و ۳۰ سال هستند. در طول دهه‌های ۱۹۶۰، ۷۰ و ۸۰ نرخ باروری بالایی در جهان اسلام وجود داشته که این منجر به تورمی شدید در شمار جمعیت جوانان این کشورها شده است. اما در آینده این تورم افول کرده و محو خواهد شد. نرخ زاد و ولد در میان مسلمانان رو به کاهش است و در واقع این میزان،

پیشاپیش به طور چشمگیری در برخی از این کشورها کاهش یافته است (هاتینگتون، ۲۰۰۱: ۱).

دوره جوانی به لحاظ جمعیت شناختی از اهمیت قابل توجهی در مقایسه با سایر دوره‌های چرخه زندگی برخوردار است. گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، گروه سنی است که بالاترین / بیشترین تراکم جمعیت شناختی را دارد. در ایران وزارت ورزش و جوانان گروه سنی ۱۵-۲۹ سال را سنین جوانی تعیین کرده است. بر این اساس، ریندوفوس (۱۹۹۱) دوره جوانی را دوره «فشرده جمعیت شناختی» (Demographically Dense Period) نامگذاری کرده است، بدین معنی که بیشتر وقایع و رفتارهای جمعیتی در طول سال‌های دوره جوانی رخ می‌دهد، در این سنین، بیشترین تغییرات و گذارهای زندگی نظیر اتمام و ترک تحصیل، ورود به بازار کار، گذار به بزرگسالی، ازدواج و تشکیل خانواده، تجربه والدینی، طلاق، رفتارهای پرخطر، مهاجرت و غیره رخ می‌دهد.

جوانان غالباً نقش تعیین کننده‌ای در خشونت‌های سیاسی ایفا می‌کنند و در طول تاریخ وجود پدیده رشد تورمی جمعیت جوانان معمولاً با زمانهای بحران سیاسی مقارن بوده است. بطور کلی مشاهده شده که مردان جوان، شخصیت‌های اصلی خشونت‌های سیاسی و جنایی نیز هستند. آیا در کشورهایی که دارای ساختار سنی جوان هستند، احتمال وقوع خشونت سیاسی بیشتر است؟ رابرت کاپلان در اثرش تحت عنوان "هرج و مرج آینده" استدلال می‌کند که هرج و مرج و افول نظام‌های دولت-ملی ناشی از عوامل جمعیت شناختی و محیطی در آینده خواهد بود. فرید زکریا (۲۰۰۱) در بررسی علل حملات تروریستی یازده سپتامبر در ایالات متحده، اینگونه استدلال کرد که پدیده رشد تورمی جمعیت جوانان و تغییرات کند اقتصادی اجتماعی سبب شده است تا پایه‌های رسانه‌های مذهبی در جهان عرب شکل گیرد. گولدستون و اریک کافمن (۲۰۰۱) اگر یک کشور دارای ساختار سنی جوان است، بدین معنی نیست که خشونت لزوماً سرنوشت حتمی آن کشور خواهد بود. در واقع، اغلب کشورهای دارای ساختار سنی جوان عمدتاً از نزاع‌های مسلحانه اجتناب می‌کنند. با اینهمه، پدیده رشد تورمی جمعیت جوانان معمولاً حکومتها را با چالشهای جدی مواجه می‌سازند و حکومتها نیز ناچارند تا برای حل و فصل آن، فرصت‌های مناسبی را برای جوانان فراهم آورند تا بتوانند در آموزش و تحصیلات و بازار کار و ادراک کشور مشارکت نمایند. در جاهایی که این فرصت‌ها مناسب فراهم است، رشد تورمی جمعیت جوانان بیش از آنکه مایه ندمت باشد، سبب برکت خواهد بود.

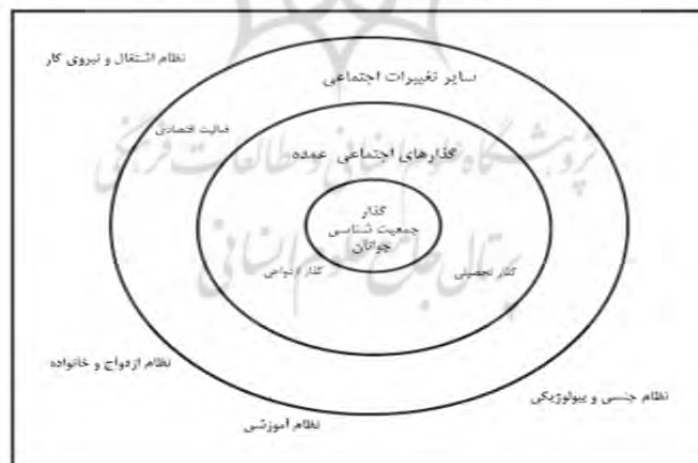
امروزه در جهان اسلام جوانان بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است برای مثال یمن بالاترین درصد تورم جوانی جمعیت با ۶۵.۳ درصد و عربستان سعودی ۶۲.۳، عراق ۶۱.۷، پاکستان ۶۱ و ایران ۲۵.۳ درصد را دارد. درصد جوانان در ایران در سال ۲۰۰۰، ۳۰.۳ درصد و در سال ۲۰۱۶ به ۱،۲۵ درصد رسید و پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۰ به ۲۴.۴ درصد و در سال ۲۰۳۰ به ۲۰.۹ درصد خواهد رسید (فولر، ۲۰۰۳). ایران از دهه‌ی گذشته پدیده تورم جوانی جمعیت را تجربه کرده است. امروزه کشور با افزایش بی سابقه رشد و تعداد جمعیت جوانان (۲۴-۳۵) مواجه است. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۹۵ نزدیک به یک سوم جمعیت را جوانان ۲۹-۱۵ سال تشکیل می دهد. در سال ۱۳۹۵ بیشترین تعداد جمعیت در سن ۳۰ ساله (۱۸۲۱۳۲۹) بوده اند بتدریج روند جمعیت از جوانی به سوی میانسالی است که بالاترین گروه سنی جمعیت متعلق به گروه سنی ۳۴-۳۰ است. چنین افزایشی در تعداد و سهم جمعیت جوان پدیده‌ی منحصراً بفرود در تاریخ اجتماعی و جمعیتی ایران محسوب می شود. تغییرات در تعداد جوانان با تغییرات در ترکیب اجتماعی و جمعیتی همراه شده است. بر این اساس، تغییرات اجتماعی، رفتارهای فردی و مشخصه های جمعیتی جوانان همواره مورد توجه حوزه های مختلف علوم اجتماعی بوده است. همچنین، ضرورت شناخت مسایل جوانان از اولویت های سیاستی در عرصه سیاستگذاری و برنامه ریزی است. از اینرو برخورد نسل ها و خشونت سیاسی جوانان نه تنها از منظر جمعیت شناسی اهمیت دارد، بلکه از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در این راستا، مقاله حاضر به بحث و ارائه نتایج در مورد برخی از مطالعات تجربی اخیر در زمینه جوانی جمعیت و خشونت سیاسی می پردازد. به منظور ارائه تصویری منسجم از این تحقیقات و یافته های آنها از شیوه مرور نظام مند استفاده شده است. مرور نظام مند بر تحقیقات و مطالعات گذشته باعث سازماندهی پژوهش ها، بهره برداری بیشتر از تحقیقات، و ایجاد ارتباط بین پژوهش های گذشته و آینده می شود. نتایج حاکی از آن است که ارتباط آماری کلی بین ساختار سنی جمعیت و خشونت سیاسی امری شناخته و پذیرفته شده است، شواهدی در دست است که نشان می دهد دولت هایی که در آموزش و پرورش متوسطه سرمایه گذاری میکنند. کمتر با خطر بروز درگیری ها مواجه می شوند. علاوه بر این، امروزه احتمالاً کشورهای بیشتری باین واقعیت مواجهند که دارا بودن گروه های سنی بزرگی از جوانان، می تواند به جای جنگ و درگیری ابزاری برای توسعه

اقتصادی باشد. همگام با کاهش میزان باروری و میزان وابستگی، عرصه برای منافع و مزایای جمعیت شناختی این گروه گشوده می شود. در جوامعی که با کاهش باروری و بدنبال آن با کاهش نسبت وابستگی اقتصادی مواجه می شوند، بالا بودن نسبت رشد جمعیت جوانان می تواند موتور محرکه توسعه اقتصادی آن جوامع باشد. به همین جهت این مقاله در صدد است تا ضمن پرداختن به سوالات فوق به سوال اصلی مقاله " چگونه کشورهایی که دارای ساختار جمعیت جوان هستند بیشتر در معرض خشونت سیاسی هستند؟" پاسخ دهد.

۲. ملاحظات نظری و تجربی

چارچوب گذار جوانی بر این نکته تاکید دارد که تغییرات اساسی در ترکیب اجتماعی جوانان مهمتر از ابعاد و جمعیت شناختی آن است. نیروهای تغییر اجتماعی در همگرایی با جوانی جمعیت، اشکال جدیدی را در مشخصه های ترکیب اجتماعی و جمعیتی جوانان ایجاد می کنند. این تغییرات " گذار جوانی" نامیده می شود (صادقی، عباسی و دیگران: ۱۳۹۴). مهمترین ابعاد تغییرات اجتماعی گذار جوانی به تاخیر انداختن ازدواج و افزایش حضور در مدارس و دانشگاه ها می باشد. ورود به بازار کار و تغییرات اقتصادی نیز از تغییرات دوره جوانی است. این تحولات، هسته های اصلی گذارها و تغییرات اجتماعی هستند.



شکل ۱: عناصر و مولفه های گذار جوانی
منبع: پراساس کسنوژ و کابمالان، ۱۹۹۸

همانطور که در شکل ۱ مشخص است هسته اصلی گذار جوانی، گذار جمعیتی است که با مفهوم تورم جوانی مشخص است و جمعیت‌شناسی جوانان محور اصلی مطالعات گذار جوانی است. امروزه، افزایش مدت تحصیل، تاخیر در ورود به بازار کار و همچنین مشکلات تهیه مسکن و مانند آن موجب شده است تا جوانان دیرتر ازدواج کنند و گذار به بزرگسالی با مسائلی برای جوانان، خانواده‌ها و جامعه همراه باشد که نیازمند مطالعه و پژوهش می‌باشد.

تیین برخورد نسل‌ها، تورم جوانی و خشونت سیاسی جوانان را می‌توان در قالب دو دسته از نظریه‌ها (فرصت و انگیزه) ارائه نمود: گفتمان‌های غالب در باره جوانان را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد. در دوره اول که با سال‌های آغازین انقلاب اسلامی مقارن است. هیچ ساختار فرابخشی که مسئول رسیدگی به امور جوانان باشد وجود نداشت. در دوره دوم یعنی سال‌های جنگ تحمیلی، جوانان بیشتر بعنوان نیروهای مدیریت‌کننده جنگ نگریسته می‌شدند. در این دوره نیز ساختار فرابخشی مختص جوانان وجود نداشت. در دوره سازندگی (۷۶-۱۳۶۸) نگاه فرهنگی به جوانان در دوره‌های قبل شکل گرفته بود حتی پررنگ‌تر گردید و عمدتاً به اوقات فراغت جوانان و جلوگیری از تهاجم فرهنگی غرب تأکید شده در این دوره شورای عالی جوانان در سال ۱۳۷۳ به عنوان یک نهاد فرابخشی در راستای رسیدگی به امور جوانان تأسیس گردید. و منشور تربیتی جوانان که مؤید غلبه رویکرد فرهنگی در امور جوانان بود. در نهایت این که در برنامه‌های اول و دوم توسعه بیشتر بر سیاست‌گذاری فرهنگی برای جوانان تأکید گردید. در دوره اصلاحات (۸۴-۱۳۷۶)، جوانان به عنوان عاملان اجتماعی و پیشبرد تحولات اجتماعی دیده می‌شدند. این دروه را می‌توان به دو زیردوره تقسیم نمود: در شش سال اول دولت اصلاحات ضمن حفظ مسئولان در حوزه جوانان، رویکردها در حوزه جوانان از فرهنگی صرف به فرهنگی - اجتماعی تغییر کرد: بر مشارکت جوانان بویژه از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد طرح مشاوره ملی جوانان و اوقات فراغت جوانان تأکید گردید، مرکز ملی جوانان تأسیس و همچنین شبکه ملی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان راه‌اندازی شد. از موضوعات قابل توجه دیگر در این دوره این است که در برنامه سوم توسعه و بر مبنای رهیافت اجتماعی - فرهنگی توجه بیشتری به جوانان مبذول گردید (کمالی‌ها، ۱۳۹۵).

اهمیت جوانی جمعیت در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه در ایران متبلور است و تلاش‌های زیادی که در سال‌های اخیر در این زمینه صورت گرفته است. با این حال، هنوز

شاخص‌های توسعه مربوط به جوانان در سطح مطلوبی نیست و جامعه علمی، تصمیم‌گیران و سازمان‌های مرتبط با امور جوانان به شناخت جامع و واقع‌بینانه‌ای نسبت به زوایای مختلف جمعیت‌شناسی جوانان دست نیافته‌اند.

پیشینه و ادبیات در زمینه جوانی جمعیت، تاکنون بر ناآرامی‌های ناگهانی و نه چندان شدید مانند اعتراضات و شورش‌های غیر خشونت‌آمیز متمرکز بوده است. با این حال، جوانی جمعیت ممکن است خطر و احتمال بروز اشکال سازمان‌یافته ترخشونت‌های سیاسی مانند درگیری‌های داخلی مسلحانه را افزایش دهد. این مقاله به بررسی دو سنت نظری غالب و متضاد (رقیب)، و در عین حال غیر منحصراً به فرد، مطرح در زمینه مطالعات مربوط به مطالعه جنگ و درگیری‌های داخلی می‌پردازد که؛ یکی از آنها بر فرصت‌ها و دیگری بر روی انگیزه‌های جنگ و درگیری‌ها متمرکز هستند.

هر دو دیدگاه مبتنی بر فرصت و انگیزه، چارچوب‌های سطح کلان هستند که می‌کوشند برای تبیین وقایع‌ای که اساساً متشکل از یک سری از تصمیمات فردی در پیوستن یا نپیوستن به یک سازمان شورشی و تروریستی است. با تمرکز بر ویژگی‌های ساختاری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توضیحی ارائه دهند. ادبیات دیدگاه فرصت‌محور، واژه حرص و آرز را ابداع و مطرح می‌سازد که ریشه در نظریه اقتصادی داشته و بر آن شرایط ساختاری متمرکز است که فرصت کافی را برای یک گروه شورشی برای آغاز جنگ علیه یک دولت مرکزی یک کشور را فراهم می‌سازند. (کالیر، ۲۰۰۰؛ کالیر و هوفلر، ۲۰۰۴). جملگی اینها شرایطی است که برای گروه شورشی امکانات مالی برای مبارزه با دولت فراهم می‌سازد و یا عواملی هستند که به کاهش هزینه‌های شورش، از قبیل هزینه‌های پایین و غیر عادی برای استخدام سربازان شورشی منتهی می‌شوند. پل کالیر، مدیر پیشین تحقیقات بانک جهانی معتقد است که گروه‌های سنی نسبتاً پرمشمار جوانان هم فرصت و هم تهدید است. وقتی که دولت‌ها از این تعداد جمعیت بتوانند در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی خود حداکثر استفاده را بکنند فرصت محسوب می‌شود. چه بسا دولت‌ها در این عرصه سیاست‌های جمعیتی نداشته باشند که در دراز مدت منجر به شورش و درگیری داخلی با دولت می‌شود (کالیر، ۹۴، ۲۰۰۰).

ریشه‌های سنت پژوهشی معطوف به انگیزه، یا دیدگاه اعتراضی در نظریه محرومیت نسبی قرارداد و این رویکرد مایل است فوران خشونت سیاسی به عنوان ابزاری منطقی برای جبران نارضایتی اقتصادی یا سیاسی در نظر گیرد (گور، ۱۹۷۰: ۲۲۳). انگیزه لازم برای

ارتکاب خشونت سیاسی می‌تواند اقتصادی - مانند فقر، رکود اقتصادی و نابرابری - یا سیاسی - مانند فقدان دموکراسی، عدم وجود نمایندگی اقلیت و یا خودگردانی باشد. بسیاری از مقالات موجود در ادبیات تورم جوانی جمعیت و خشونت سیاسی، به گونه‌ای قابل بحث ذیلا سنت قرار می‌گیرد. این پیشینه بر این نکته تمرکز دارد که چگونه گروه‌های پر شمار جوانان که با ازدحام نهادی موجود در بازار کار و یا نظام آموزشی و نبود آزادی‌های سیاسی دسته و پنجه نرم می‌کنند و انبوه جمعیت مستقر در مراکز شهری ممکن است (روزی) آزرده و ناراضی شوند و بدین سان راه برای خشونت سیاسی هموار گردد (چوسری، ۱۹۷۴؛ بنگارت، ۱۹۸۴؛ گلدستون، ۲۰۰۱).

با این که این دیدگاه‌ها (فقط) به عنوان الگوهای های ایده آل سودمندند، گاهی اوقات در آنها به تمایز بین دیدگاه‌های مبتنی بر انگیزه و فرصت بیش از حد پرداخته می‌شود که این کار به چند دلیل ذیل است: دلیل اول، دیدگاه مبتنی بر انگیزه در ساده‌ترینش، به پیش بینی توام با اغراق وقوع خشونت سیاسی می‌پردازد؛ ولی وجود نارضایتی جدی، همواره دلیل کافی برای طغیان و اعمال خشونت آمیز جمعی به شمار نمی‌آید (کاهل، ۱۹۹۸). احتمال اینکه انگیزه از طریق خشونت سیاسی التیام یابد؛ تنها زمانی میسر است که بودن امکانات مالی برای شورش در دسترس و هزینه‌های کم آن در میان باشد یا یک دولت ضعیف سرکار باشد. دلیل دوم، در مواردی ممکن است که عوامل مربوط به دیدگاه فرصت‌علت وقوع جنگ‌های داخلی را بهتر تبیین نمایند ولی، این لزوماً به این معنا نیست که کنشگران این عرصه نمی‌توانند انگیزه قوی برای کارهای خود داشته باشند (سامبا نیس، ۲۰۲۴: ۲۲). دلیل سوم، بسیاری از عوامل ممکن است به یک اندازه نشانگر و توصیف‌کننده هر دو عامل فرصت و انگیزه باشند. مثلاً یک جوان فقیر ممکن است واجد شرایط هر دو عامل در نظر گرفته شود و یک داوطلب بالقوه کم‌هزینه، همزمان می‌تواند یک فرد ناراضی دارای انگیزه‌های ناشی از محرومیت اقتصادی و سیاسی باشد.

۳.

عوامل زمینه‌ای مرتبط با مناقشات و درگیری‌های جوانان

- اثر حجم گروه سنی
- رشد اقتصادی

- تحصیلات
- فقدان دموکراسی
- شهرنشینی

۱.۳ اثر حجم گروه سنی (کوهورت)

صرف وجود یک گروه بزرگ و پرشمار از جوانان، عاملی است که باعث کاهش هزینه استخدام آنان (از سوی شورشیان) می شود چون هزینه فرصت برای یک فرد جوان به طور کلی کمتر است (کولیر، ۹۴:۲۰۰۰). این فرضیه ای است که بنیان آن در میزان دسترسی به فرصت های جایگزین کسب درآمد قرار دارد. اگر جوانان به گونه ای رها شوند که هیچ چاره ای جز مواجهه بایکاری و فقر نداشته باشند، به طور فزاینده و به احتمال زیاد پیوستن به یک شورش و طغیان رابه عنوان یک روش جایگزین ایجاد درآمد برای خود برخواهند گزید.

اگر بازار کار نتواند مازاد ناگهانی جویندگان جوان کار و شغل را جذب کند، یک گروه بزرگ و پرشمار از جوانان بیکار موجبات سرخوردگی شدید در جامعه رافراهم خواهند کرد و در موارد استثنایی، چالش ایجاد شغل و استخدام گروه های بزرگی از جوانان که به نیروی کار کشور افزوده می شوند می تواند خطرناک و طاقت فرسا باشد. در عربستان سعودی چهار میلیون نفر به نیروی کار اضافه خواهند شد که برابر با دو سوم نیروی کار ملی عربستان در حال حاضر خواهد بود (وینکلر، ۲۰۰۲: ۶۲۱). در ایران ۵ میلیون نفر نیروی کار اضافه خواهد بود که برابر با دو سوم کار ملی ایران در حال حاضر خواهد بود. که مقام معظم رهبری در ۱ فروردین سال ۱۳۹۶ در مشهد به اشتغال این جوانان تاکید ویژه ای داشته اند و دولت را ملزم به سیاستگذاری و پاسخگویی در این حوزه دانست. مشکلات اجتماعی و اقتصادی مرتبط با تورم جوانی جمعیت " ممکن است زمینه مناسبی برای عضو گیری سازمانهای تروریستی از این جوانان رافراهم کند. (لیا ۱۴۱:۲۰۰۵) خطر حجم گروه سنی پرشماری از جوانان که مربوط به دهه های ۶۰ و ۷۰ است امروزه در کشور ایران با وجود آنکه بعضا ممکن است مثبت تلقی گردد و موجب نوع آوری در حوزه های شغلی و فن آوری های نوین می گردد. اما متأسفانه تمهیدات لازم برای جذب آنها صورت نگرفته که موجب سرخوردگی آنها در حوزه اقتصادی و اجتماعی

شده است. چه بسا که ماهیت درگیری های خیابانی ۱۰ دی ۱۳۹۶ در ایران فرضیه ما را تایید می کند.

۲.۳ رشد اقتصادی

عملکرد کلی اقتصاد یک جامعه عاملی مهم و تعیین کننده در پیوستن به یک جنبش شورشی است، و در نتیجه فرصتی برای وقوع شورش خواهد بود. رشد اقتصادی طی یک دوره طولانی ممکن است به عنوان یک جایگزین برای فرصت های جدید درآمدی وارد عمل شود (کالیر و هوفلر، ۲۰۰۴:۵۶۹). ادبیات دیدگاه انگیزه گرا نیز در نگرانی های ناشی از رکود اقتصادی بادیگاه قبلی سهیم است. جوانان متعلق به گروه های سنی بزرگ و پرشمار به خصوص اگر ورود آنها به نیروی کار همزمان با دوره افول جدی وخامت شدید اوضاع اقتصادی باشد، در مقابل بیکاری آسیب پذیر تر خواهند بود چنین همزمانی در وقوع این رویدادها ممکن است باعث ایجاد ناامیدی و سرخوردگی در میان جوانان شود و آنها را به سمت توسل به خشونت سوق دهد (چوسری، ۱۹۷۴:۷۳). در ادبیات اقتصادی از جوانان به عنوان ارتش ذخیره بازار کار یاد می شود. در حالی که به کارگیری این پتانسیل در بازار کار می تواند نقشی کلیدی در توسعه جامعه داشته باشد، انفعال شان، بیش از سایر اقشار جامعه آنان را در معرض آسیب های اجتماعی قرار داده و پیامدهای نامطلوبی فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

در ایران جوانان، نه تنها به لحاظ وزن جمعیتی اهمیت یافته، از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز اهمیت دارند، در واقع، نه تنها نسبت جمعیت جوان به کل کشور بلحاظ عددی افزایش یافته است، بلکه بلحاظ کیفی (باسوادی، شهرنشینی، دسترسی و استفاده از رسانه های جمعی) نیز نسبت به کل جمعیت از رشد بیشتری برخوردار شده اند. از اینرو، جمعیت جوان کشور از ویژگی های توسعه ایی نظیر تحصیلات عالی، آگاهی و مهارت برخوردار است که می تواند منشاء تحولات اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی در کشور باشد. با در نظر داشتن منافع و مزایای بالقوه این تجربه گذار جمعیتی در کشور، محققین چنین ساختار جمعیتی را به «پنجره» یا «هدیه» جمعیتی تعبیر نموده، و اقتصاددانان نیز از آن به عنوان «سود جمعیتی یاد کرده اند. بالفعل شدن این سرمایه بالقوه مستلزم آنست که اولاً، شناخت درستی از ویژگی ها و مزایای این جمعیت وجود داشته باشد، و ثانیاً، امکانات و شرایط لازم برای استفاده از چنین موهبتی فراهم گردد. در چنین شرایطی است

که نیروی جوان موجود می‌تواند به تولید و بهره‌وری بپردازد، و رشد و رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی را تضمین نماید. به تعبیر برخی اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان رشد اقتصادی باید ۶ برابر نرخ رشد جمعیت باشد تا بتوانیم جمعیت کیفی داشته باشیم اما متأسفانه این نرخ در ایران در حال حاضر شبیه (۱.۳) هم هستند. از آنجائیکه رشد اقتصادی نه تنها نشان دهنده نرخ درآمد سرانه می‌باشد، بلکه دربردارنده شاخص‌های اجتماعی پایه همانند نرخ مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی و آموزش نیز می‌باشد.

۳.۳ تحصیلات

یکی از ابزارهایی است که کشورها می‌توانند به منظور پاسخگویی به تورم جوانی جمعیت از آن بهره‌برداری کنند گسترش آموزش عالی است. آیا این ابزار می‌تواند به عنوان راهبردی برای کاهش خطر بروز به خشونت سیاسی عمل نماید؟ سطوح بالاتر آموزش در میان مردان ممکن است به کاهش خطر ابتلا به خشونت سیاسی منجر گردد. از آنجا که مردان تحصیل کرده از فرصت‌های کسب درآمد بهتری نسبت به افراد غیرتحصیل کرده برخوردارند، لذا آنها منافع بیشتری برای از دست دادن خواهند داشت و از این رو احتمال پیوستن آنها به یک شورش ضعیف تراست (کولیر، ۲۰۰۰). در یک بررسی اخیر بر اساس مصاحبه با سربازان جوان نشان دهنده پشتیبانی قوی سطح خرد برای انتظارات بوده و دال بر این است که فقر، عدم تحصیل و فرصت‌های درآمدی کم یکی از دلایل مهم برای پیوستن به یک گروه شورشی (برت واسپیچت، ۲۰۰۴) می‌باشند.

سطح آموزش بالاتر در جامعه منجر به ایجاد شرایطی میشود که در آن عضوگیری و استخدام توسط شورشیان پر هزینه تر و احتمال شورش کمتر می‌گردد (کولیر و هوفلر ۲۰۰۴). این یافته در تضاد با ادبیات و دیدگاه‌های انگیزه‌گرا نیست. با این حال، این دیدگاه می‌گوید هنگامی که کشورها با گسترش فرصت‌های آموزش عالی به نیاز (تحصیلی) گروه‌های بزرگی از جوانان پاسخ می‌دهند، این ممکن است به پیدایش یک گروه بسیار پر شمار از جوانان دارای تحصیلات عالی منجر شود که شمار ایشان (احتمالاً) بسیار بیش از تعدادی است بتوان در یک اقتصاد طبیعی آنها را جا داد (و برای آنها شغل ایجاد نمود) مگر اینکه دولت قادر و مایل به جذب مازاد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بخش دولتی باشد، به عنوان مثال در این رابطه می‌توان به اقدامات دولت مصر اشاره کرد (ویلکر ۲۰۰۲: ۶۳۰)، بیکاری شایع در میان بخش‌های جوان دارای تحصیلات عالی در جامعه، ممکن است باعث

سرخوردگی و نارضایتی آنهاشود و به ایجاد انگیزه برای خشونت های سیاسی منتهی شود. این مسئله مورد بحث است که نرخ بالای بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده یکی از پدیده های اجتماعی و سیاسی بی ثبات کننده و پدیده ای بالقوه خشونت آمیز در هر رژیمی است یاخیر (چوسری، ۱۹۷۴: ۷۳) و بر مبنای سوابق تاریخی افزایش سریع در تعداد جوانان تحصیل کرده، اغلب پیش در آمد خیزش ها و تحولات سیاسی (گلدستون، ۲۰۰۱: ۹۵) بوده است. همچنین برخی استدلال کرده اند که گسترش آموزش عالی در بسیاری از کشورهای خاور میانه، منجر به ایجاد اقشار و طبقات زیادی از جوانان تحصیل کرده شده که بازار کار نمی تواند آنان را جذب کند و این امر، تا به حال یک اثر بنیادی (رادیکال) بر جوامع داشته و نیروها و اعضای جدیدی را برای سازمان های ستیزه جو در منطقه فراهم کرده است (لیا، ۱۴۵: ۲۰۰۵-۱۴۶). در ایران بخشی قابل توجهی از جوانان غیرفعال، کسانی هستند که در عین حال تحصیل نیز نمی کنند. در ادبیات موضوع از گروه اخیر تحت عنوان جوانان علاف یاد می شود. اینان بخشی از جمعیت جوان هستند که روال طبیعی گذار از تحصیل به کار را طی نکرده اند. بر اساس نتایج پیمایش نیروی کار سال ۱۳۹۴ انجام شده در مرکز آمار ایران ۲۶/۸ درصد از جوانان کشور علاف هستند. در این خصوص، زنان نسبت به مردان و جوانان روستایی نسبت به جوانان شهری بیش تر علاف هستند. همچنین، بیش ترین مقدار این شاخص مربوط به استان سیستان و بلوچستان (۴۰/۶ درصد) و کم ترین آن متعلق به استان یزد (۱۸/۰ درصد) است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). نگارنده بر این باور است اگر دولت در برخی از مناطق از جمله سیستان و بلوچستان بتواند پاسخگویی جوانان در حوزه گسترش آموزش باشد قطعاً سالانه از ورود ۱۰۰ ها نفر جوان در عملیات های انتحاری جلوگیری می کند.

در حالی که بیش از یک دهه از ورود جمعیت ایران به پنجره جمعیتی می گذرد، سالانه بر جمعیت دارای تحصیلات عالی به ویژه تحصیلات تکمیلی افزوده می شود. بر اساس آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ تعداد فارغ التحصیلان آموزش عالی ۳۴۰۲۴۶ نفر بوده است که این رقم در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ به ۷۳۳۲۶۰ نفر رسیده است. به تبع، این وضعیت الزامات و پیامدهایی را در بازار کار فارغ التحصیلان دانشگاهی به دنبال دارد. در حالی که سال های گذشته همواره ایجاد فرصت های شغلی برای این افراد یکی از دغدغه های اصلی دولت ها بوده است، اما شاخص بیکاری در بین این قشر فرهیخته همچنان مطلوب نیست. در این ارتباط، بر اساس نتایج طرح پیمایش نیروی کار

مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴، در حالی که نرخ بیکاری کل کشور ۱۱/۰ درصد است، نرخ بیکاری فارغ التحصیلان ۱۸.۵ درصد است. این شاخص در میان زنان بیش از دو برابر مردان است. به علاوه، نرخ مشارکت اقتصادی فارغ التحصیلان ۶۶/۳ درصد بسیار بالاتر از نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور (۳۸/۲ درصد) است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که دامنه تغییرات نرخ بیکاری در بین رشته های تحصیلی بسیار زیاد و بیشترین آن در بین فارغ التحصیلان علوم کامپیوتر است.

لذا جوانی جمعیت دوره‌ی تحول اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. از اینرو، این دوره نه تنها از نظر جمعیت‌شناختی، بلکه به لحاظ اجتماعی و سیاستی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوره فرد شرایط لازم را برای کنش مستقل در تمام عرصه‌های زندگی کسب می‌کند و با اندوخته‌های خود وارد عرصه اجتماع می‌شود. بر این اساس، تغییرات در دوره انتقال جوانی به لحاظ تاریخی با انتقال جمعیتی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن مرتبط است. در بستر مدرنیته و توسعه تغییرات در تعداد جوانان با تغییرات در ترکیب اجتماعی آنها همراه بوده است. جوانان نه تنها سازنده آینده کشور بلکه جزء اصلی زمان حال و جامعه کنونی‌اند. اما متأسفانه در مرور قوانین مرتبط با جوانان و در بحث بیکاری که شاید بتوان گفت مهم‌ترین مسئله کنونی جوانان ایرانی و خصوصاً فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است، برنامه مدون و لازم‌الاجرائی که بطور جدی در دستور کار نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد یافت نشد و فقط در مواردی با کلی‌گویی و در کنار سایر مسائل به این موضوع نیز اشاراتی شده بود.

۴.۳ فقدان دموکراسی

دیدگاه‌های مبتنی بر فرصت و انگیزه هنگامی که از آنها برای ارزیابی نقش دموکراسی استفاده می‌شود، پیش‌بینی‌ها متضادی به دست می‌دهند. ادبیات و پیشینه دیدگاه مبتنی بر فرصت نشان می‌دهد که هرچه فرصت برای بروز خشونت سیاسی بیشتر باشد خودکامگی یک دولت کمتر است، در حالی که ادبیات انگیزه‌گرا استدلال می‌کند که ظلم و ستم سیاسی و فقدان حقوق سیاسی هر چه شدیدتر باشد انگیزه قویتری برای بروز خشونت سیاسی فراهم خواهد شد. چندین مطالعه تجربی انجام شده در باب رابطه نوع رژیم و جنگ داخلی، یک رابطه منحنی و معکوس 'U' شکل را بین دموکراسی و مناقشات و جنگها آشکار کرده اند و نشان می‌دهند که جوامع دارای رژیم کاملاً استبدادی و یا

بسیاردموکراتیک، آرامترین و صلح آمیز ترین جوامع هستند (هگره و همکاران، ۲۰۰۱). این رابطه مفروض به عنوان یک نتیجه حاصل از هر دو دیدگاه مبتنی بر فرصت و انگیزه حاصل شده است، چونکه رژیم های نیمه دموکراتیک در مقایسه با دولتهای استبدادی ممکن است امکان بیشتری برای بروز درگیریها فراهم کنند. اکثر کشورهای مختلف از اقوام متعدد تشکیل شده اند. این تنوع در اغلب کشورها منبع خشونت بوده و موجب بروز جنگ ها و درگیری های داخلی بوده است. کشور ایران نیز دارای تکتک و تنوع قومی می باشد و اقوام ایرانی به طور عمده در حاشیه و نوار مرزی ایران شکل گرفته است که بعضا شاهد برخی از تنش ها و مناقشات اقوام بوده ایم. بنابراین برجسته سازی قومیت ها می تواند باعث ایجاد خشونت سیاسی و فقدان حقوق سیاسی اقوام منجر به خشونت می شود. در گذشته بیشتر اعتراضات خیابانی مشکلات اقتصادی بوده اما امروزه اکثر ناآرامی ها ریشه در فقدان دموکراسی دولت ها دارد.

۵.۳ شهرنشینی

در حالی که ازدحام نهادینه جمعیت به کانون عمده تمرکز و توجه مبدل شده است، همچنین استدلالهایی مطرح می شود مبنی بر اینکه ازدحام جغرافیایی می تواند به ایجاد انگیزه برای بروز خشونت سیاسی منجر شود (برنان-گالوین، ۲۰۰۲). از آنجا که تروریسم اساسا یک پدیده شهری است، کشورهایی که توسعه سریع در شهرنشینی را تجربه می کنند، ممکن است با افزایش مخاطره تروریسم مواجه گردند (لیا، ۲۰۰۵: ۱۴۱) اگر شمار جوانان در یک منطقه نسبتا کوچک جغرافیایی زیاد باشد، این ممکن است به افزایش احتمال بروز نارضایتی ناشی از تراکم در بازار کار و یا تراکم در موسسات آموزشی منتهی شود. از لحاظ تاریخی، همزمانی و مصادف شدن تورم جوانی جمعیت با گسترش سریع شهرنشینی، به خصوص تحت شرایط توأم با بیکاری و فقر، یک عامل مهم دخیل در بروز خشونت سیاسی بوده است (گلدستون، ۲۰۰۱). جوانان اغلب بخشی بسیار زیادی از مهاجران روستا به شهر را تشکیل میدهند. از این رو، در کنار وجود گروه های سنی پر شمار جوانان، توسعه سریع شهرنشینی ممکن است، به ازدحام فوق العاده جوانان در مراکز شهری و متعاقب آن، به طور بالقوه به افزایش خطر بروز خشونت سیاسی بیانجامد. در ایران شهرنشینی رشد چشمگیری داشته است در سال ۱۳۳۵ نرخ رشد شهرنشینی ۳۰ درصد بوده

که امروزه به ۷۲ درصد رسیده است که در واقع رشد نامتعارفی داشته که این رشد خشونت های اجتماعی را تشدید می کند.

۴. مطالعات تجربی در مورد تورم جوانی جمعیت و خشونت

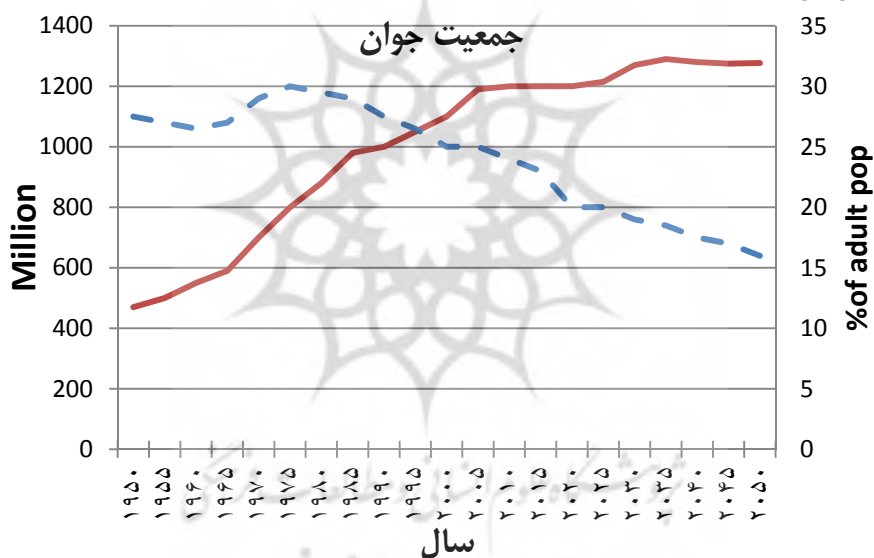
۱.۴ اندازه گیری تورم جوانی جمعیت

با اذعان به این که درک و تعریف جوانان به میزان زیادی در میان جوامع متفاوت است، در این مقاله منظور از جوانان، اشاره به آن دسته از افراد ۱۵ ساله تا ۲۴ ساله ای است که منطبق با تعریف به کار گرفته شده توسط سازمان ملل متحد نیز هست. در حالی که تفاوت و تنوع قابل توجه منطقه ای و محلی وسیعی هم در این میان دیده می شود، در حال حاضر تعداد کل جوانان در سطح جهان با نرخ بسیار پایین تری نسبت به پنج دهه قبل در حال رشد است و انتظار می رود که بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۵۰ این تعداد نسبتاً ثابت باقی بماند. برخی محققان تورم جوانی را به عنوان وضعیتی که در آن بیش از ۲۰ درصد جمعیت در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند. تعریف کرده اند. در مقابل، جمعیت هایی که کمتر از ۱۵ درصد جمعیت جوان برخوردارند به عنوان «کمبود جوانی» تعریف می شوند. (وستلی و چو، ۲۰۰۲: ۵۷). اندازه و طول مدت تورم جوانی بستگی به زمانبندی و سرعت کاهش باروری و همچنین جریانات مهاجرتی دارد. به شکل ارجوع کنید، (خط ممتد ساده تعداد شمار جوانان در سطح جهان را نشان می دهد).

خط نقطه چین در شکل ۲ نشان دهنده شمار جمعیت جوانان ۱۵-۲۴ ساله به عنوان درصد و یا بخشی از جمعیت بزرگسال ۱۵ ساله و بالاتر است، به استثنای کسانی که جوان تر از ۱۵ سال می باشند. دو مطالعه معتبر اخیر که در مورد جنگ داخلی انجام شده در پیدا کردن یک اثر و رابطه میان تورم جوانی جمعیت و خطر بروز درگیری نا کام بوده اند؛ برای اندازه گیری تورم جوانی جمعیت، از سنجه ها یا معیارهای متفاوتی بهره گرفته شده و جمعیت ۱۵-۲۴ ساله را بر کل جمعیت، مشتمل بر کسانی که زیر ۱۵ سال سن داشته اند؛ تقسیم کرده اند (فیرون و لیتین، ۲۰۰۳؛ کالیر و هوفلز سال ۲۰۰۴). چنین تعریفی از جوانان هم از دیدگاه نظری و هم از دیدگاه عملی مورد تردید و سؤال است. اکثر نظریه های مطرح در مورد شورش جوانان فرض شان بر این پایه استوار است که خشونت ناشی از رقابتی است که بین گروه های جوان تر و گروه های سنی مسن تر در جریان است، و یا

خشونت به این دلیل است که گروه های جوانان ، تنگناهای نهادی بیشتری را با توجه به اندازه بزرگتر جمعیت شان در قیاس با گروه های سنی قبل تر از خود تجربه می کنند. در موارد استفاده از کل جمعیت در مخرج کسر ، تورم جوانی جمعیت در کشورهای برخوردار از تداوم باروری بالا کمتر از میزان واقعی آن جلوه خواهد کرد که علت آن به دلیل تعداد زیاد گروه های جمعیتی زیر ۱۵ سال است که موجب کاهش ظاهری شاخص تورم جوانی جمعیت می شود.

در عین حال ، کشورهایی که با کاهش باروری و شمار نسبتاً کمتر جمعیت زیر ۱۵ سال جمعیت مواجهند - به طور بالقوه مزیت جمعیتی ناشی از شمار بزرگ گروه های سنی جوانان (شکل پایین را ببینید) می باشند و جمعیت های آنها رو به بالا یا در حال رشد ارزیابی می شوند.

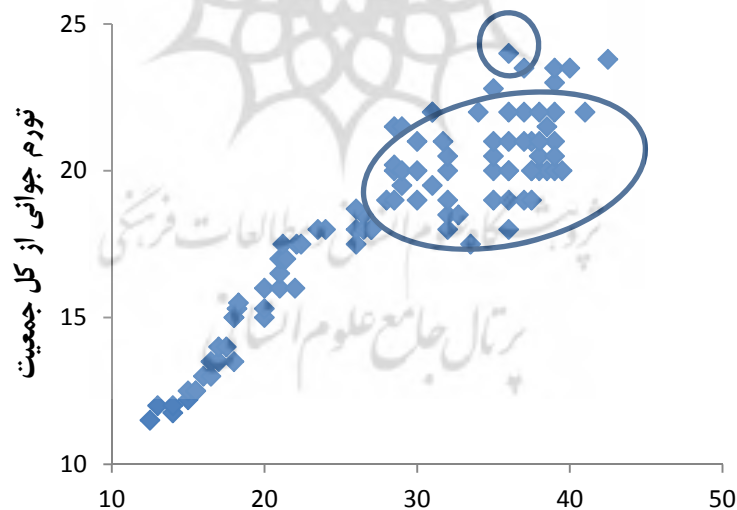


شکل ۲. جمعیت جهانی جوانان ، ۱۹۵۰-۲۰۵۰

منبع: بخش جمعیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۱)

تاثیرات ناشی از اندازه گیری تورم جوانی جمعیت به روش های مختلف در نمودار پراکندگی مندرج در این مقاله در شکل - نشان داده شده است ، در این نمودار همه کشورها با توجه به مقادیر شان در ارتباط با دو معیار با سنجه مختلف مورد استفاده برای سنجش تورم جوانان در سال ۲۰۰۰ نشان داده شده اند . محور افقی یا محور x نشان دهنده

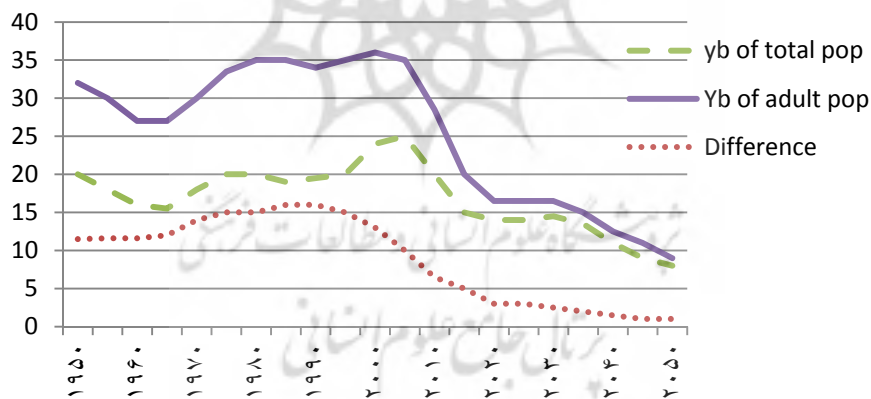
مقادیر توصیه شده برای سنجه مورد نظر است، که در آن، تورم جوانی جمعیت را نسبت به جمعیت بزرگسالان کل (YBAP) تعریف می کنند، در حالی که محور عمودی Y نشان دهنده اندازه گیری ناقص جمعیت جوانان جامعه نسبت به کل جمعیت (YBTP) است. انحراف از روند خطی وقتی اندازه نسبی گروه های سنی جوانان رشد می کند؛ بیشتر می شود. مشاهدات مشخص شده توسط دوایر بزرگتر پایینی مربوط به کشورهای هستند که نه فقط واجد گروه های سنی بزرگی از جوانان هستند، بلکه جمعیت بسیار بزرگی از افراد زیر سن ۱۵ سال را هم شامل می شوند. بسیاری از کشورهای واقع در جنوب صحرای آفریقا به این گروه تعلق دارند، و مشابه این شرایط، در کشورهای گواتمالا، نیکاراگوئه، افغانستان، لائوس، عراق، یمن، مالدیو و پاپوآ گینه نو. نیز حاکم است. در الگوهای آماری مورد استفاده برای ارزیابی تاثیر تورم جوانی جمعیت در بروز جنگها و مناقشات، در این گروه دوم از کشورهای مورد اشاره، تاثیر قابل توجه کمتری بر این نتایج در هنگام استفاده از اندازه گیری YBTP به جای اندازه گیری YBAP در میان خواهد بود. دو نقاط برون هشته واقع در دایره کوچکتر، کشورهای لیبی و ایران هستند که، که هر دو با کاهش بسیار شدید باروری در دهه ۱۹۹۰ مواجه بوده اند و در حال حاضر در آستانه یک فرصت برای برخورداری از یک سود مزیت و سود جمعیتی قرار دارند.



شکل ۳. ساختار سنی با تعاریف مختلف (۲۰۰۰)

منبع: بخش جمعیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۱)

تفاوت بین سنجه‌ها و معیارهای اندازه‌گیری در شکل ۴ بیشتر نشان داده شده است، که نشان دهنده انتقال ساختاری سن در ایران است. تفاوت بین دو معیار در مرحله (فاز) اولیه اوج تورم جوانی جمعیت بیشترین مقدار خود را دارد و همراه با کاهش سریع سطح باروری است. باز هم، این مسئله بر اهمیت استفاده از یک سنجه اندازه‌گیری که توسط شمار زیاد جمعیت زیر ۱۵ سال مختل نشود، صحنه می‌گذارد. بررسی روند تحولات جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در ایران نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ تعداد جمعیت جوانان به سرعت قابل توجهی افزایش یافته و از ۸/۵ میلیون به ۲۵ میلیون نفر رسیده است. از ۱۳۸۵ به بعد از تعداد جمعیت جوانان کشور بتدریج کاسته شده و در سال ۱۳۹۰ تعداد آنها به ۲۳/۷ میلیون نفر و در سال ۱۳۹۵ به ۲۱/۸ میلیون نفر رسیده است. پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز این روند بعلاقی کاهش آن همچنان تداوم خواهد داشت. طبق پیش‌بینی‌ها در سال ۱۴۳۰ بستگی به سناریوهای مختلف باروری تعداد جمعیت جوانان بین ۱۵ میلیون تا ۱۷/۶ میلیون نفر برآورد می‌شود. از اینرو، سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ دوران اوج تعداد جوانان در ایران است و در این سال حدود یک سوم جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهد که نیمی از این تعداد را مردان (۱۱/۹ میلیون نفر) و نیمی دیگر را زنان (۱۱/۸ میلیون نفر) تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۴. تغییرات ساختار سنی جمعیت در ایران ۱۹۵۰-۲۰۵۰

منبع: بخش جمعیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۱)

۲.۴ مطالعه ۲- بررسی فراملی تورم جوانی جمعیت و خشونت

در پژوهشی فراملی بر روی سری های زمانی اخیر از دوره ۲۰۰۰-۱۹۵۰، متوجه شدم که وجود تورم جوانی جمعیت، خطر بروز درگیری را به طور چشمگیری افزایش می دهد. این رابطه آماری حتی زمانی که کنترل برای تعدادی از عوامل دیگر مانند سطح توسعه، دموکراسی، و سابقه جنگ، مورد کنترل قرار دهیم همچنان برقرار می ماند. هر نقطه از درصد افزایشی که بر شمار جوانان در تعداد جمعیت بزرگسال بیفزاید، خطر درگیری بیش از چهار درصد افزایش می یابد هنگامی که جوانان بیش از ۳۵ درصد از جمعیت بزرگسال کشوری را تشکیل دهند، همانگونه که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه این شرایط دیده می شود، خطر درگیری های مسلحانه ۱۵۰ درصد بیشتر از کشورهایی با ساختار سنی مشابه با کشورهای توسعه یافته خواهد بود.

این ادعا که تورم جوانی جمعیت به خصوص زمانی که از یک آستانه خاصی بگذرد بسیار ناپایدار و غیر قابل پیش بینی می شوند و به نظر نمی رسد از اعتبار چندان برخوردار باشد، چرا که در این موارد به نظر می رسد بیشتر یک روند خطی وجود دارد (هانینگتون، ۱۹۹۶). علاوه بر این، به نظر می رسد تورم جوانی جمعیت با خطر بالاتری در زمینه بروز تعارض و درگیری در کشورهایی با ضریب وابستگی بالا همراه است، در حالی که کشورهایی که به خوبی در حالت تجربه انتقال جمعیتی می باشند، احتمال برخورداری از "مزیت صلح" در آنها بیشتر است.

اگر در موارد وقوع تورم جوانی جمعیت، احتمال درگیری های مسلحانه، افزایش می یابد، این افزایش چگونه است و چرا اهمیت دارد؟ در حالی که به نظر نمی رسد خطر جنگ همزمان با سرانه بلند مدت رکود اقتصادی یا وجود ضریب وابستگی بالا، گسترش آموزش عالی و یا رشد سریع زندگی شهری، افزایش پیدا کند؛ نتایج نشان می دهد که اثر تورم جوانی جمعیت ظاهراً در مستبدترین رژیم های استبدادی و همچنین در کشورهای دموکراتیک بیشتر است. این امر می تواند نمایانگر این مسئله باشد که تورم جوانی جمعیت در حکومت های خودکامه فرصت های بیشتر و در جوامع دموکراتیک انگیزه بیشتری ایجاد می نماید.

۳.۴ مطالعه ۳. آموزش و تحصیلات

برای پرداختن به این مسئله که آیا آموزش و پرورش ممکن است به عنوان یک راهبرد برای کاهش خطر بروز خشونت سیاسی ناشی از تورم جوانی جمعیت به کار آید یا نه، یک مطالعه فراملی (۲۰۰۰ - ۱۹۷۰) بر روی مجموعه ای ازداده جدید آموزش و پرورش توسط برکات و اوردال (۲۰۰۷) انجام شده است. مجموعه داده ای مورد استفاده از تکنیک‌های پیش‌بینی گذشته نگر جمعیت شناختی تدوین شده بود که پیشرفت و دستاوردهای تحصیلی در مجموعه ای از ۱۲۰ کشور جهان را در برمی گرفت (لوتز و همکاران، ۲۰۰۷) تجزیه و تحلیل تجربی در واقع نشان می دهد که تورم جوانی جمعیت به احتمال زیاد به افزایش خطر وقوع درگیری در جوامعی منجر می شود که سطح آموزش متوسطه مردان در آنها پایین است، این یافته نشان می دهد که در دسترس بودن گروه های سنی زیادی از جوانان دارای تحصیلات اندک، می تواند به بروز درگیری های مسلحانه کمک کند. تاثیرات ناشی از تحصیلات اندک و جمعیت کثیر جوانان به خصوص در کشورهای کم درآمد و یادارای درآمد متوسط می تواند شدید باشد، اگرچه به نظرمی رسد همچنان این وقوع امر مشروط به عوامل اقتصادی ساختاری خواهد بود. به طور خاص، به نظر نمی رسد آموزش و پرورش اثر آرامبخش و تلطیف کننده ای بر گروه های پر شمار جوانان متعلق به جوامع شدیداً کشاورزی داشته باشد. در حالی که مطالعات کمی، عموماً رابطه ای بسیار قوی بین شاخصهای توسعه و خطر جنگ را نشان می دهند نتایج این بررسی ها بیانگر آن است که کشورهای فقیر اهرم هایی برای اعمال نفوذ و تاثیرگذاری بر روی احتمال بروز درگیری و کاستن از آنان از طریق افزایش فرصت های آموزشی برای افراد جوانشان در اختیار دارند. به طور خاص، افزایش آموزش زنان به احتمال زیاد یک اثر کاهش دهنده در بروز خطر جنگ دارند. اگرچه زنان با تحصیلات پایین معمولاً از گروه هایی نیستند که به طور مستقیم در خشونت درگیر باشند. همچنین، هیچ نشانه ای در دست نیست که نشان دهد گسترش سریع در تحصیلات سطح متوسطه و یا آموزش عالی باعرضه بیش از اندازه جوانان تحصیل کرده (به بازار کار)، احتمال بالقوه بروز درگیری هارا افزایش داده باشد.

۴.۴ مطالعه جداگانه

آیا ساختار سنی می تواند تبیین کننده تنوع در میزان خشونت زیر سطح ملی و کشوری باشد؟ دو مطالعه اخیر رویکرد ها و روش های کمی متفاوت برای تجزیه

و تفکیک مطالعه بر روی تورم جوانی جمعیت و جنگ اتخاذ کرده اند. اولین مطالعه یک بررسی سری زمانی بر روی خشونت سیاسی در ۲۷ ایالت هند در خلال دوره ۲۰۰۲-۱۹۵۶ بوده است (اوردال ۲۰۰۸) هند کشوری بسیار متنوع از نظر جمعیت شناسی است، که مناطق جنوبی آن کاهش باروری بسیار قابل توجهی را تجربه کرده اند در حالی که در مناطق شمالی آن هنوز نرخ باروری بالاست و این مناطق همچنان ساختار سنی بسیار جوان خود را حفظ کرده اند. منبع آزمون رابطه تورم جوانی جمعیت با سنجه یا معیار مختلف خشونت سیاسی که به طور مستقل از هم جمع آوری شده بودند یعنی درگیری های مسلحانه، رویدادهای سیاسی خشونت بار و شورش و تظاهرات گروه های هندو-مسلمان پرداختم. نتایج برای هر سه قسم این معیارها کاملاً روشن است. تورم جوانی جمعیت، خطر بروز درگیری های مسلحانه را افزایش می دهد به ویژه در ایالت هایی که در قیاس با شمار زنان، اکثریت جمعیت با مردان است.

در پژوهش و بررسی دوم به طور خاص به چگونگی تاثیر ساختار سنی جوان جمعیت در مراکز شهری بر روی سطح اختلال ناهنجاری های اجتماعی و خشونت پرداخته می شود (اوردال و هوفلر ۲۰۰۹). در میان بسیاری از نگرانی های مطرح در مورد روند شهرنشینی سریع، این سوال که آیا تورم جوانی شدید در مراکز شهری ممکن است یک منبع بی ثباتی سیاسی و یا خشونت باشد یا خیر خود را نشان می دهد. جوانان، و به ویژه مردان جوان، به لحاظ تاریخی سهم نامتناسب و بزرگی از مهاجرت ها از مناطق روستایی به مناطق شهری را تشکیل داده اند و سهم مردان جوان در اغلب مراکز شهری نسبت به مناطق روستایی بالاتر است. در این باره استدلال شده است که در مواردی که این جوانان حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، کنار گذاشته شوند تورم جوانی جمعیت در مراکز شهری ممکن است تبدیل به یک منبع بی ثباتی و خشونت سیاسی شود. در این مقاله، مابه بررسی و ارزیابی تجربی این ادعا از یک زاویه کاملاً جدید با استفاده از داده های سطح شهرستان در زمینه اختلال اجتماعی شهری، اعم از اقدامات غیر خشونت آمیز مانند تظاهرات و اعتصابات، تا اقدامات سیاسی خشونت آمیز مانند شورش، تروریسم و درگیری های مسلحانه پرداخته ایم. مجموعه داده های این بررسی، ۵۵ شهر عمده در آسیا و کشورهای جنوب صحرا را آفریقا را پوشش می دهد و بازه زمانی آن از سال ۲۰۰۶-۱۹۶۰ است. اهمیت ساختار سنی بیشتر در ارتباط با عوامل و شرایطی که به طور بالقوه محرومیت جوانان را تحت تاثیر قرار می دهند، به ویژه سطح اشتغال غیررسمی، رشد اقتصادی، آموزش و

پرورش و عدم توازن جنسیتی در نظر گرفته میشود. دریافتیم که تورم جوانی جمعیت زیاد مردان ۲۴-۱۵ ساله به طور کلی با افزایش خطر اختلالات و ناهنجاری اجتماعی اعم از خشونت آمیز و یا غیر خشونت آمیز همراه است.

۵. صلح جمعیتی

تا سال ۲۰۵۰، جهان دستخوش یک تغییر چشمگیر در ساختار سنی جمعیت بزرگسال در مقایسه با سال ۱۹۵۰ خواهد شد. در طول دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ سال بیش از ۲۵ درصد از جمعیت بزرگسال را در آسیا، آفریقا و امریکاتشکیل می دادند؛ با این حال، بخش جمعیت سازمان ملل متحد (UN, ۲۰۰۷) پیش بینی کرده است تا سال ۲۰۵۰ که تنها کشورهای جنوب صحرای آفریقا همچنان سهم جمعیت جوان بالای ۲۵ درصد را حفظ خواهند کرد، و این در حالی است که در اکثر مناطق دیگر جهان سهم این گروه ۱۵٪ خواهد بود. دلیل اصلی برای این تغییر، کاهش جهانی در باروری است که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده است و در خلال ده های گذشته شتاب بیشتری به دست آورده است. افزایش حرکت در دهه های گذشته است آیا این جهان در حال پیر شدن تبدیل به جهان صلح آمیز تر خواهد شد.

مطالعات اخیر در زمینه جمعیت شناسی اقتصادی نشان می دهد که رابطه بین گروه های پرشمار جوانان و خشونت سیاسی، در صورتیکه تورم جوانی جمعیت قبل از گروه های قابل توجه کوچکتر باشد، ممکن است خاموش و بی سرو صدا باقی بماند و اقتصاددانان و جمعیت شناسان از مدت ها قبل این موضوع و تاثیر منفی رشد جمعیت بر رشد اقتصادی مورد بحث قرار داده اند. به تازگی، این بحث مبسوط تر و پیشرفته تر شده و بر تجزیه و تحلیل مستقل اثرات رشد در میان بخش و گروه های سنی مختلف تمرکز یافته است. در حالی که نرخ رشد بالا در جمعیت غیر شاغل و یا گروه های سنی وابسته، به رشد اقتصادی کم منتسب می شوند، افزایش شمار جمعیت واقع در سن کار و اشتغال، رابطه مستقیم و مثبتی با رشد اقتصادی خواهد داشت. (کلی و اشمیت، ۲۰۰۱). بنابراین، در مناطقی که انتقال جمعیت به خوبی و با کاهش شدید نرخ باروری در جریان است، کشورها ممکن است یک پنجره فرصت جمعیتی برای توسعه اقتصادی را تجربه کنند، که اغلب به پیدایش یک مزیت جمعیتی برای آنان می انجامد که عمدتاً ناشی از افزایش ذخایر جامعه به دلیل کاهشی نسبی تعداد افراد وابسته می باشد.

در کشورهایی که رشد در جمعیت ۱۴-۰ سالشان بالا است، تورم جوانی جمعیت به شدت با شروع درگیری های مسلحانه در ارتباط است. اما در جایی که باروری به سرعت در حال کاهش بوده، و به رشد کم و یا حتی منفی جمعیت در بخش یا گروه سنی ۱۴-۰ سال منجر شده است، تورم جوانی جمعیت رابطه منفی (معکوس) با شروع درگیری های مسلحانه دارد، هرچند که اختلاف (تعداد) میان آنها از نظر آماری معنی دار نمی باشد. یکی از تفسیرهای ممکن از یافته دوم این است که این دسته شامل هر دو گروه از کشورهایایی است که در استفاده از پنجره فرصت جمعیتی، موفق یا ناموفق عمل کرده اند، و این که تورم جوانی جمعیت در این گروه از کشورها تاثیرات پیچیده تری بر روی گرایش جوامع به سوی جنگ و درگیری داشته است.

بر اساس پیش بینی بخش جمعیت سازمان ملل متحد در مورد ساختار سنی، تعداد کل جمعیت و مرگ و میر نوزادان، می توانیم توصیف کنیم که چگونه خطر احتمالی جنگ و درگیری تا ۲۰۵۰ برای مناطق مختلف جهان در حال افزایش خواهد بود. بانگاهی به آینده، می توان دید که سه منطقه از جهان با بالاترین خطرات کنونی مواجهند که این مناطق عبارتند از کشورهای جنوب صحرای آفریقا (SSA)، کشورهای آسیایی و کشورهای واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA- منا). با توجه به این الگو، سریع ترین کاهش در منطقه SSA جنوب صحرای آفریقا خواهد بود که در آن سطح خطر می تواند تا حد ۴۰ درصد کاهش یابد، به شرطی که پیش بینی های سازمان ملل متحد به حقیقت بپیوندند. این مدل همچنین کاهش چشمگیر را برای منطقه منا پیش بینی کرده است که در آن سطح خطر می تواند تقریباً تا سطح اروپا کاهش یابد.

۶. نتیجه گیری

در تحقیق حاضر، عوامل جمعیت شناختی در خطر بروز خشونت های سیاسی موثر است. با این حال، کشورها تا حدی قادرند از احتمال بروز این مخاطرات را از طریق فراهم نمودن فرصت برای جوانان خود بکاهند که در وهله اول و عمدتاً با فراهم نمودن خدمات تحصیلی و آموزش و پرورش برای جوانان خود اقدام نمایند. به نظر می رسد کشورهایی که از درآمد کم و متوسط برخوردارند سطح تحصیلات آنها بیشتر در مقطع متوسطه می باشند. اگر چه ظاهراً این تاثیر منوط به عوامل اقتصادی ساختاری در این کشور هائیزهست. علاوه بر این، انتظار می رود اهمیت تاثیر جوانی جمعیت در ایجاد خشونت سیاسی در بسیاری از نقاط

جهان در طول دهه های بعدی کم کم افول نمایند که بروزاین پدیده به دلیل کاهش باروری است. رابطه کلی بین ساختار سنی و درگیری و جنگ در دوره ای که کشورها کاهش نرخ باروری را تجربه می کنند، وجود داشته اما در آینده این رابطه ضعیفتر خواهد شد. با این حال، برای کشورهایی که در سالهای آینده با سطح باروری بالا و نسبت بالایی از جوانان در جمعیت خود مواجهند، به خصوص در کشورهای واقع در خاور میانه، آفریقا و بخش هایی از آسیا، ترکیب سنی جمعیت هنوز هم مستلزم لحاظ نمودن برخی احتیاطات خواهد بود.

به منظور جلوگیری از بی ثباتی و خشونت، تمرکز کشورها باید بر ایجاد فرصت های اقتصادی برای جوانان باشد و نظارت های خاصی و به ویژه در فراهم نمودن فرصت اشتغال و یا فرصت های آموزش برای جوانان در دوره های رکود اقتصادی معمول گردد. در حالی که فراهم نمودن و گسترش فرصت برای تحصیل و آموزش و پرورش به طور کلی نقشی آرام کننده بر روی گروه های جوانان، دارد ولی برخی از شواهد نشان می دهد که وقتی فرصت برای آموزش عالی در جوامع گسترش می یابد، نبود فرصت های شغلی برای جوانان دارای تحصیلات عالی ممکن است به بی ثباتی کمک کند.

با محدود کردن فرصت های مهاجرت ممکن است خطر بروز خشونت در برخی از کشورهای دچار تورم جوانی جمعیت افزایش یابد. اگر این افزایش جمعیت با افزایش فرصت های شغلی داخلی قابل جبران نباشد، مهاجرت ممکن است به عنوان یک سوپاپ اطمینان در کشورهای دارای گروه کثیری از جوانان عمل کند. در بررسی های اخیر، تقریباً نیمی از جوانان عرب که مورد سوال قرار گرفته بودند، تمایل شان را به مهاجرت ابراز داشته و آنرا به نگرانی مربوط به فرصت های شغلی و تحصیلی متناسب کرده اند. اگر فرصت مهاجرت به طور فزاینده ای بدون طرح و اقدامات داخلی برای ایجاد فرصت برای جوانان، محدود گردد؛ کشور های در حال توسعه ای که قبلاً بر صدور نیروی جوان مازاد خود متکی بودند، ممکن است با افزایش فشار ناشی از جوانی جمعیت، مخاطرات بالاتری از بروز خشونت سیاسی را تجربه کنند.

بررسی های تفکیکی و تکمیلی، مطالعات محلی و منطقه ای می توانند آزمون بهتری برای بررسی برخی از روابط موجود میان فرصت های در اختیار جوانان و خشونت فراهم کنند. در حالی که نتایج مورد اشاره در این مقاله برای تجزیه و تحلیل رابطه بین ساختار جوان جمعیت شهری و خشونت در سطح شهر را کاملاً تأیید نمی کنند؛ فقدان

شاخص‌های مناسب برای انجام مطالعه در سطح یک شهر در عرصه‌هایی مانند محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی مانعی بر سر راه ارزیابی کامل از عوامل زمینه‌ای ایجاد می‌نمایند. انجام مطالعات جداگانه و تفکیکی نیز می‌تواند این ادعا را مورد رسیدگی قرار دهد که آیا تفاوت ساختارهای سنی بین گروه‌های هویتی می‌تواند کمکی به درگیری‌های بین قومیتی بنماید.

در صورتی که تعداد جمعیت جوانان در کشور به درستی مدیریت نشود ممکن است به تغییرات اجتماعی سریع در جنبش‌های اجتماعی، افزایش آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر منجر می‌شود. پدیده جوانی جمعیت در ایران موقت است. این تعداد جوان نتیجه باروری بالای دهه اول انقلاب است، در مسیر گذار از دوره جوانی عبور کرده و به سمت میانسالی است، در نهایت از سال ۱۴۲۰ به بعد وارد مرحله سالمندی شده و سالخوردگی جمعیت ایران را به همراه خواهد داشت. با این وجود در حال حاضر توجه و نگرانی اصلی دولتمردان و مدیران و سیاست‌گزاران کشور بیشتر به پیامدهای مرحله بعدی گذار ساختار سنی یعنی سالخوردگی جمعیت است. این موضوع موجب شده است تا جوانان، فرصت‌ها و چالش‌های آنها تا حدودی نادیده گرفته شود. این در حالیست که سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری برای اشتغال جوانان و بهره‌برداری از آنها در بستر مرحله پنجره جمعیتی است که سالمندی سالم، فعال و موفقیت‌آمیز و همچنین سود جمعیتی دوم، که خاص دوره سالخوردگی جمعیت است، را تضمین خواهد کرد. در غیر این صورت، نه تنها فرصت طلایی پنجره جمعیتی از دست می‌رود، بلکه عدم استفاده از این فرصت منجر به تهدید و چالش‌های واحد شد و سود بالقوه جمعیتی این دوران به آسانی به بار جمعیتی تبدیل شده و دوره سالخوردگی جمعیت مسئله‌دار را نیز در پیش خواهیم داشت.

بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌شود که: مطالعه به روش‌های کیفی برای هر یک از متغیرهای زمینه‌ای (اثر حجم گروه سنی، رشد اقتصادی، تحصیلات، فقدان دموکراسی، شهرنشینی) مرتبط با خشونت به صورت مقایسه‌ای انجام شود. با توجه به ارتباط آماری بین ساختار سنی جمعیت و خشونت سیاسی دولت‌ها بایستی در حوزه آموزش و پرورش متوسطه سرمایه‌گذاری بیشتری کنند، تا کمتر با خطر بروز درگیری‌ها مواجه شوند. اگر جوانان به گونه‌ای رها شوند که هیچ چاره‌ای جز مواجهه با بیکاری و فقر نداشته باشند، به طور فزاینده و به احتمال زیاد پیوستن به یک شورش و طغیان را به عنوان یک روش

جایگزین ایجاد درآمد برای خود برخواهند گزید لذا دولت بایستی خواسته های اقتصادی- سیاسی جوانان را پاسخ دهد.

کتابنامه

صادقی، رسول، عباسی، محمد جلال، محمودیانی، سراج الدینی (۱۳۹۴). تورم جوانی جمعیت در ایران: خلاء های تحقیقاتی و الزامات سیاستی، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال دهم شماره نوزدهم- بهار و تابستان ۱۳۹۴.

گلدستون، جک (اریک کافمن، مونیکادافی تافت) (۲۰۰۱). جمعیت شناسی سیاسی: نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین المللی ترجمه یعقوب فروتن، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور ۱۳۹۴.

کمالی ها، آنیثا، (۱۳۹۵). پایان نامه کارشناسی ارشد "بررسی تطبیقی وضعیت ساختار جمعیتی جوانان تهران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۰" دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ۱۳۹۵.

نتایج سرشماری مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.

- Barakat, Bilal & Henrik Urdal (2009) 'Breaking the Waves? Does Education Mediate the Relationship Between Youth Bulges and Political Violence?', *World Bank Policy Research Working Paper* 5114.
- Braungart, Richard G. (1984) "Historical and Generational Patterns of Youth Movements: A Global Perspective," *Comparative Social Research*, vol. 7, pp. 3-62.
- Brennan-Galvin, Ellen (2002) "Crime and Violence in an Urbanizing World," *Journal of International Affairs*, vol. 56, pp. 123-146.
- Brett Rachel and Irma Specht (2004) *Young Soldiers: Why They Choose to Fight*. Boulder, CO and London: Lynne Rienner.
- Cincotta, Richard P.; Robert Engelman and Daniele Anastasion (2003) *The Security Demographic: Population and Civil Conflict After the Cold War*. Washington, DC: Population Action International.
- Collier, Paul (2000) "Doing Well Out of War: An Economic Perspective," in *Greed & Grievance: Economic Agendas in Civil Wars*, edited by Mats Berdal and David M. Malone. Boulder, CO and London: Lynne Rienner, pp. 91-111;
- Collier, Paul and Anke Hoeffler (2004) "Greed and Grievance in Civil War," *Oxford Economic Papers*, 56, pp. 563-595.
- Choucri, Nazli (1974) *Population Dynamics and International Violence: Propositions, Insights and Evidence*. Lexington, MA: Lexington.
- Fearon, James D. and David D. Laitin (2003) "Ethnicity, Insurgency, And Civil War," *American Political Science Review*, vol.. 97, pp. 75-90.

- Graham Fuller (2003). *The YOUTH FACTOR: the New Demographics of The Middle East and the Implication for U.S Policy*.
- Gleditsch, Nils Petter; Peter Wallensteen, Mikael Eriksson, Margareta Sollenberg and Håvard Strand (2002) "Armed Conflict 1946-2001: A New Dataset," *Journal of Peace Research*, vol. 39, pp. 615-637.
- Goldstone, Jack A. (1991) *Revolution and Rebellion in the Early Modern World*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Huntington, Samuel P. (1996) *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
- Huntington, Samuel P. (2001) "So, are civilizations at war?" Interview, *The Observer*, Sunday October 21.
- Kahl, Colin H. (1998) "Population Growth, Environmental Degradation, and State-Sponsored Violence: The Case of Kenya, 1991-93," *International Security*, vol. 23, pp. 80-119.
- Kaplan, Robert D. (1994) "The Coming Anarchy," *Atlantic Monthly*, vol. 273, p. 46.
- Lia, Brynjar (2005) *Globalisation and the Future of Terrorism: Patterns and Predictions*. London and New York: Routledge.
- Lutz, Wolfgang; Anne Goujon, Samir K.C. & Warren Sanderson (2007) *Reconstruction of Population by Age, Sex and Level of Educational Attainment for 120 Countries 1970-2000*. Laxenburg, Austria: IIASA.
- Winckler, Onn (2002) "The Demographic Dilemma of the Arab World: The Employment Aspect," *Journal of Contemporary History*, vol. 37(4): 617-636.
- Zakaria, Fareed (2001) "The Roots of Rage," *Newsweek*, vol. 138(16): 14-33.